

خب، لازمه اول به عنوان مقدمه در مورد دلالت لفظ بر معنا صحبت کنیم!

مثلت ذهن، زبان و واقعیت رو توو ذهنت بیار.

چیزی که الان می‌خوای یاد بگیری به هر سه تای اینا ربط داره؛ پس خوب حواست رو جمع کن!  
یه لفظ معنادار رو در نظر بگیر (کاری هم نداشته باش که مشترک لفظی هست یا نیست فقط اگه بود، به یکی از معناهاش توجه کن!)

وقتی یه لفظ رو با یه معنا در نظر می‌گیریم، گوینده می‌تونه از اون لفظ سه تا منظور داشته باشه:

۱- همه معنا یا مصداق مربوط به اون لفظ: مثل وقتی که می‌گیم ایران وطن من است.

۲- بخشی از مصداق مربوط به اون لفظ: مثل وقتی که می‌گیم فردا به ایران باز می‌گردم.

۳- چیزی مرتبط با معنا یا مصداق اون لفظ: مثل وقتی که می‌گیم ایران همیشه سربلند است.

به حالت اول می‌گیم دلالت مطابقی چون منظور از واژه ایران، دقیقاً همون چیزیه که براش وضع شده.

به حالت دوم می‌گیم دلالت تضمنی چون منظور از واژه ایران، بخشی از اون چیزیه که براش وضع شده که در واقع همون شهر محل سکونت طرفه.

به حالت سوم می‌گیم دلالت التزامی چون منظور، چیزی مربوط به او معناییه که براش وضع شده و اینجا منظور مردم ایرانه.

## چند تا نکته خیلی مهم:

۱- اگر دقت کرده باشی تو دلالت‌های مطابقی و التزامی نوشتیم دلالت لفظ بر همه مصداق یا معنا ولی تو تضمنی نوشتیم دلالت لفظ بر بخشی از مصداق. چرا؟ چون بخشی از معنا یعنی بخشی از مفهوم و بخشی از مفهوم رو توو درس ۴ میخونی یا میشه بخش مشترک یا بخش اختصاصی که توو هر دو صورتش دلالتش تضمنی نیست.

۲- چند تا آرایه هست که به این بحث دلالت‌ها مربوطه:

الف) کنایه: هر جا آرایه کنایه وجود داشت، در واقع دلالت التزامی داریم. (ضرب المثل‌ها اغلب کنایه‌اند.)

مثال: چنگی به دل نزدن دلالت التزامی داره به جالب نبودن

ب) مجاز: هر جا مجاز داشته باشیم، دلالت التزامی داریم به جز مجاز با علاقه کلیه که دلالت تضمنی داره.

مثال: به یاد روی شیرین بیت می‌گفت / چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

بیت: مجاز به علاقه جزئیّه = دلالت التزامی

کوه: مجاز به علاقه کلیه = دلالت تضمنی

ج) استعاره: همه می‌دونید که استعاره نوعی مجازه؛ پس دلالت التزامی دارد.

مثال: تا تو را جای شد ای سیر و روان در دل من

استعاره از معشوق = دلالت التزامی

۳- خیلی‌ها (واقعا خیلی‌ها) مشترک لفظی رو با دلالت‌های یک کلمه اشتباه می‌گیرن! به دو تا نکته توجه کن که این دو تا رو با هم اشتباه نگیری:

الف) مشترک لفظی در واقع یک واژه است که بیشتر از یه دلالت **مطابقی** دارد.

ب) **معنا با دلالت فرق می‌کنه:**

**معنا:** مفهوم متناظر با لفظ (دلالت مطابقی)

دلالت: انتقال ذهن از لفظ به یک مفهوم که می‌تونه معنای اون لفظ باشه می‌تونه نباشه.

۴- تقسیم دلالت‌های لفظ بر معنی به مطابقی، تضمنی و التزامی به حصر عقلیه، یعنی شما نمی‌تونید حالت دیگه‌ای براش تصور کنی یا بسازی.

**حواست باشه:** ۱- اگه جزئی از یه چیزی رو بگیریم و کلش منظورمون باشه، میشه دلالت التزامی ولی اگه کل یه چیزی رو بگیریم و جزء یا بخشیش منظورمون باشه، میشه دلالت تضمنی.

۲- کاربرد لفظ در جمله نوع دلالت رو تعیین می‌کنه؛ پس اگه یه کلمه همین طوری بهت دادن، دلالتش معلوم نیست.

### خب حالا بریم سراغ مغالطه توسل به معنای ظاهری!

خب همون جوریه که معنای مختلف یه واژه اگه با هم اشتباه بشن، مغالطه به وجود میاد. دلالت‌ها هم اگه با هم اشتباه بشن، مغالطه به وجود میاد که چند حالت مختلف داره:

۱. مطابقی و تضمنی با هم اشتباه بشن. ۲. مطابقی و التزامی با هم اشتباه بشن.	<b>مغالطه توسل به معنای ظاهری</b>
تضمنی و التزامی با هم اشتباه بشن.	<b>مغالطه است ولی اسمشو کتاب نگفته.</b>

**حواست باشه:** اگه سؤال گفت کجا مغالطه توسل به معنای ظاهری داریم، حتما باید پای دلالت مطابقی وسط باشه ولی اگه سؤال گفت کدام گزینه مغالطه مربوط به دلالت‌های مختلف یک لفظ داره، لزومی نداره حتماً پای دلالت مطابقی وسط باشه.

بریم دو سه تا مثال ببینیم:

مثال اول:

نمونه ای تاریخی: محمدشاه قاجار در حرم امام رضا (ع) قسم یاد کرده بود که هرگز خون وزیر خود قائم مقام فراهانی را نریزد. لذا هنگامی که تصمیم به کشتن وی گرفت، دستور داد او را خفه کنند!

بررسی مثال:

اینجا محمد شاه قاجار وقتی میگه خون قائم مقام رو نمی ریزم، دلالت مطابقی منظورشه اما مخاطبش دلالت التزامی فهمیده و فکر کرده محمدشاه قائم مقام رو نمی کشه؛ پس دلالت التزامی به جای مطابقی فهمیده شده = مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.

مثال دوم:

پدرم وقتی فهمید که مادرش از دنیا رفته است، خم به ابرو نیاورد چون ابروهایش بیشتر از این اخم نمی شد.

بررسی مثال:

خم به ابرو نیاوردن به دلالت مطابقی یعنی ابرو را خم نکردن و به دلالت التزامی یعنی ناراحت نشدن؛ پس دلالت التزامی به جای مطابقی فهمیده شده = مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.

مثال سوم:

با این نمره ای که پسر در امتحان نهایی آورده است، واقعا ما رو سفید می شویم و دیگر نیازی به رنگ سفید نداریم.

بررسی مثال:

روسفید شدن در دلالت مطابقی یعنی سفید شدن یا تمیز شدن صورت و در دلالت التزامی یعنی سربلند شدن یا به طنز سرافکنده شدن؛ پس دلالت التزامی به جای مطابقی فهمیده شده = مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.

یه نمونه تست هم ببینیم و این مغالطه هم تمام!

کدام گزینه مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد؟

- (۱) مردی به همسرش قول داد تا هفته بعد سیگار نکشد. پانزده دقیقه بعد سیگاری روشن کرد. در برابر اعتراض همسرش گفت زمانی که قول دادم ساعت ۲۳:۴۵ جمعه بود و الان که یک ربع گذشته در شنبه هفته بعدیم.
  - (۲) دانشجوی تازه وارد: جایی خواندم که دکتر ایلخانی استاد فلسفه، مسیحی است. دانشجوی سال آخر: نه درست ننوشته اند. ایشان، استاد فلسفه مسیحی است.
  - (۳) با مدیرمان سوار بر ماشینش به سمت دفتر حرکت کردیم. صدایش واقعا در راه آزاردهنده بود.
- ( ) به این دو عبارت توجه کن: «هر که را صبر نیست حکمت نیست» و «من سر از حکمت کارهای پدر بزرگم در نمی آورم»، می بینی این دو هیچ لفظ مشترکی ندارند.

پاسخ: گزینه ۱

بررسی گزینه ها: ۱: مرد سیگاری به معنای مطابقی «تا هفته بعد» متوسل شده و روز شنبه را دقیقاً از ساعت نیمه شب (۰۰:۰۰) حساب کرده است. در حالی که همسرش و اکثریت مردم، از عبارت «تا هفته بعد» به معنای التزامی حداقل چند روز یا هفت روز کامل را در نظر دارند. ۲: مغالطه شیوه نگارش کلمات، از عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات به وجود می آید. در جملات پیرامون استاد فلسفه مسیحی، علامت ویرگول به درستی به کار نرفته بود و باعث مغالطه شد ۳: در این عبارت، معلوم نیست مرجع ضمیر «ش» در «صدایش» به مدیر برمی گردد یا ماشین او. صدای مدیر آزاردهنده بوده یا صدای ماشین او؛ بنابراین ابهام در مرجع ضمیر دارد. ۴: واژه حکمت مشترک لفظی است (فلسفه / دلیل و علت / خرد و فرزانیگی / نصیحت) و واژه لفظ مشترکی هم ابهام دارد.